خبر

جُنگ اصفهان؛ میراثی ماندگار در ادبیات معاصر

جُنگ اصفهان به‌عنوان یکی از جریان‌های تأثیرگذار ادبی دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی، با نقش‌آفرینی چهره‌هایی همچون ابوالحسن نجفی، هوشنگ گلشیری و محمد حقوقی، سهم مهمی در تحول داستان‌نویسی، شعر، نقد ادبی و ترجمه در ایران داشت؛ محفلی که با تکیه بر نگاه انتقادی، سخت‌گیری در ارزیابی آثار و توجه به جریان‌های ادبی جهان، مسیر تازه‌ای پیش روی ادبیات معاصر گشود.

ابوالحسن نجفی از چهره‌های محوری این حلقه بود که به دلیل دانش گسترده ادبی، تسلط بر زبان فرانسه و آشنایی با تحولات ادبی جهان، نقشی فراتر از یک عضو عادی در جُنگ اصفهان ایفا کرد. هرچند اعضای این محفل بر برابری جایگاه خود در جلسات تأکید داشتند، اما تأثیرگذاری نجفی در جهتدهی فکری و ادبی این جریان انکارناپذیر بود؛ به‌گونه‌ای که می‌توان از او به‌عنوان پدر معنوی جُنگ اصفهان یاد کرد. نجفی در کنار ترجمه و معرفی آثار ادبی جهان، در حوزه عروض و شعر فارسی نیز پژوهش‌های ارزشمندی انجام داد. مقاله «اختیارات شاعری» از جمله آثار مهم اوست که در آن به بازنگری در قواعد عروض فارسی پرداخت و بر ضرورت تدوین دوباره مبانی این حوزه تأکید کرد. مجموعه مقاله‌های او در این زمینه بعدها در کتاب «اختیارات شاعری و مقاله‌های دیگر در عروض فارسی» منتشر شد. از دیگر ویژگی‌های برجسته جُنگ اصفهان، صراحت و سخت‌گیری در نقد آثار ادبی بود. این رویکرد ابتدا در میان اعضای محفل و در جلسات داخلی شکل گرفت و سپس به نقد گسترده آثار داستانی و شعری نویسندگان و شاعران معاصر تسری یافت. هوشنگ گلشیری در مقاله «سی سال رمان‌نویسی» با نگاهی سخت‌گیرانه، شماری از رمان‌های فارسی را شایسته بررسی جدی دانست و آثاری همچون «بوف کور»، «ملکوت» و «سنگ صبور» را به‌طور ویژه نقد کرد. در حوزه شعر نیز محمد حقوقی یکی از مهم‌ترین چهره‌های منتقد این جریان بود. نوشته‌های او درباره شعر معاصر، از بررسی آثار احمد شاملو تا تحلیل جریان‌های شعری و مباحث فنی شعر، بخش مهمی از محتوای انتقادی جُنگ را تشکیل می‌داد. نقدهای حقوقی به دلیل عمق تحلیل، گستردگی و صراحت، از آثار شاخص نقد ادبی آن دوره به شمار می‌روند. جُنگ اصفهان همچنین در واکنش به رویدادهای فرهنگی و ادبی روز فعال بود. انتشار ویژه‌صفحه‌هایی در سوگ فروغ فرخزاد در چهارمین دفتر این نشریه، پس از درگذشت شاعر در بهمن ۱۳۴۵، نمونه‌ای از توجه این محفل به تحولات ادبی جامعه بود. در این بخش، دو شعر از محمد حقوقی و هوشنگ گلشیری به یاد فروغ فرخزاد در قالب شعر نو منتشر شد. این دو شعر، با زبانی متفاوت از فروغ، تصویری از تنهایی و اندوه شاعر ارائه می‌دهند. حقوقی در شعر خود از «پرنده‌ای بی‌بال» سخن می‌گوید که در «قفس تنگ» زندگی می‌کند و «آسمان را فقط در خواب می‌بیند»، تصویری که به‌روشنی یادآور سرنوشت فروغ است. گلشیری نیز در شعر خود از «پرنده‌ای که پرواز را فراموش کرده» می‌گوید و با استفاده از نمادهای طبیعی، فضای سکوت و انزوا را ترسیم می‌کند. این دو شعر، با وجود تفاوت‌های سبکی، هر دو بر احساس تنهایی و ناتوانی در برابر سرنوشت تأکید دارند و نشان‌دهنده تأثیر عمیق فروغ بر شاعران هم‌نسل خود هستند.

اهدای ۱۵۰ جلد کتاب به کتابخانه شهر برزک اصفهان

شهردار برزک گفت: شهرداری برزک با اهدای ۱۵۰ جلد کتاب، در تجهیز و غنی‌سازی کتابخانه مدرسه علاقمند مشارکت کرده است.

حمیدرضا دهقانی افزود: راه‌اندازی کتابخانه در این مدرسه و فراهم‌سازی مجموعه‌ای از کتاب‌های متنوع، فرصت ارزشمندی برای ارتقای سطح آگاهی، دانش و بینش دانش‌آموزان فراهم می‌کند. او ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی و فراهم‌کردن زمینه دسترسی دانش‌آموزان به منابع مطالعاتی را از جمله اقدامات مؤثر در مسیر ارتقای آگاهی عمومی و سرمایه‌گذاری برای آینده جامعه دانست. برزک یکی از شهرهای استان اصفهان و در ۵۸ کیلومتری کاشان واقع شده است.

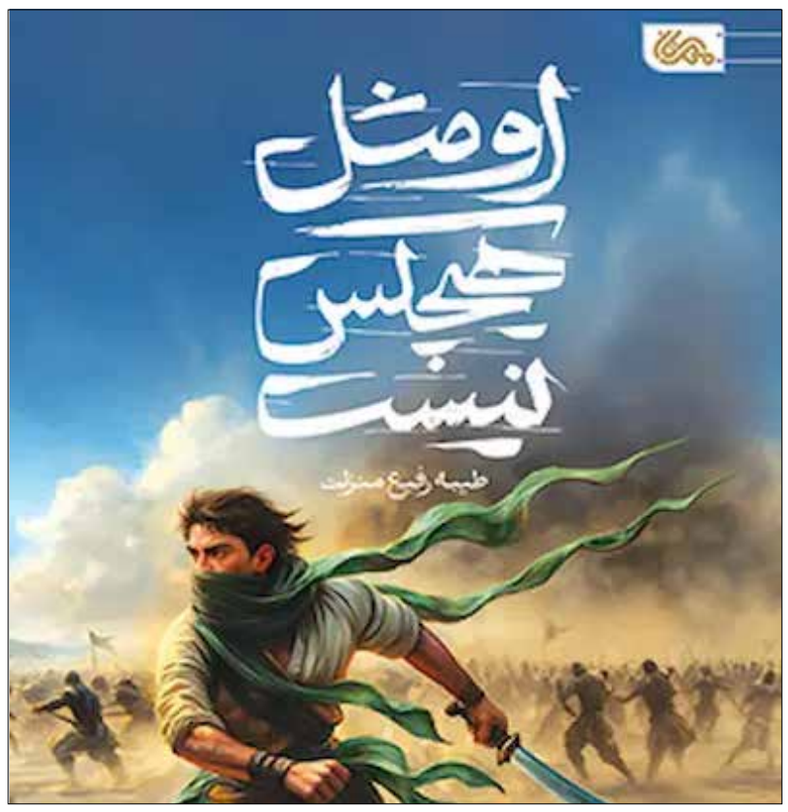
مصلی میزبان سی‌وهفتمین نمایشگاه کتاب تهران

سی‌وهفتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از روز چهارشنبه دوم دی‌ماه ۱۴۰۵ در مصلی امام خمینی(ره) تهران آغاز به کار می‌کند و میزبان علاقه‌مندان کتاب و کتابخوانی خواهد بود.

ابراهیم حیدری، مدیرعامل خانه کتاب و ادبیات ایران، از برگزاری سی‌وهفتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در مصلی امام خمینی(ره) خبر داد. سی‌وهفتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران همزمان با میلاد حضرت علی(ع)، از روز چهارشنبه دوم دی‌ماه ۱۴۰۵ آغاز به کار می‌کند و میزبان علاقه‌مندان کتاب و کتابخوانی خواهد بود.پیش از این، محسن جوادی، معاون امور فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس نمایشگاه، از انتشار فراخوان ثبت‌نام ناشران در روزهای آینده خبر داده بود.

نگاهی به داستان او مثل هیچ‌کس نیستیک داستان نوجوان

تأملی درباره چیستی ادبیات داستانی دینی





محمدرضا رهبری*

داستان بلند «او مثل هیچ‌کس نیست» نوشته طیمه رفیع‌منزلت، اثری ویژه نوجوانان پانزده سال به بالاست که در کارگاه‌های جشنواره داستانی خاتم نوشته شده و تابستان ۱۴۰۵ در نشر مهرستان، در هزار نسخه، به چاپ رسیده است. بنا بر اعلام ناشر، چاپ دوم کتاب نیز در دست انتشار است. داستان درباره جنید، جوانی از خانواده‌ای ثروتمند و بانفوذ در مکه است که به دلیل کنیززاده بودن، همواره احساس حقارت می‌کند و در جست‌وجوی کسب اعتبار و تأیید پدر است. همین نیاز به اثبات خود، او را به رویارویی با پیامبر اسلام می‌کشاند؛ اما در جریان جنگ اسیر می‌شود و تجربه‌ای متفاوت از آنچه در ذهن داشته، پیش رویش قرار می‌گیرد. جنید در دوران اسارت با رفتار انسانی مسلمانان، مهربانی پیامبر و تجربه آموزش خواندن و نوشتن به کودکان مواجه می‌شود. او برای نخستین بار جایگاهی را تجربه می‌کند که همواره آرزویش را داشته است؛ جایگاهی که نه از نسب و قدرت خانوادگی، بلکه از کرامت انسانی سرچشمه می‌گیرد. او در ابتدا تصمیم دارد پیامبر را به قتل برساند تا از این راه در میان قبیله خود اعتبار و منزلتی به دست آورد؛ اما مواجهه مستقیم با پیامبر، آن هم در لحظه‌ای که شمشیرش را بر سینه او قرار داده است، مسیر زندگی‌اش را تغییر می‌دهد. بازگشت به خانه، آغاز مرحله دشوارتری از زندگی جنید است. او با مخالفت شدید پدر، شکنجه و طرد شدن روبه‌رو می‌شود؛ بااین‌حال بر ایمان تازه خود پای می‌فشارد و خانه را ترک می‌کند. در ادامه، حضورش در جنگ احد و خطایی که در آنجا مرتکب می‌شود، او را با وجه دیگری از ایمان و مسئولیت انسانی مواجه می‌کند. در کنار این تحولات، شکل‌گیری علاقه او به جمانه نیز به داستان بُعدی عاطفی می‌بخشد و در پایان، با بازگشت از جنگ و دیدار با ابوسعید، روزنه‌ای برای تشکیل خانواده و آغاز زندگی تازه پیش روی او قرار می‌گیرد.

۱. ادبیات داستانی دینی چیست؟

ادبیات داستانی دینی را می‌توان نقطه اتصال ادبیات داستانی و اندیشه دینی دانست؛ ادبیاتی که از نظر محتوا با دین ارتباط دارد و از نظر تکنیک و شیوه روایت، به ادبیات داستانی، به‌ویژه ادبیات نوجوان، متکی است. هدف چنین ادبیاتی صرفاً انتقال اطلاعات یا آموزش مستقیم آموزه‌های دینی نیست؛ بلکه فراهم کردن فرصتی برای درک عمیق‌تر مفاهیم دینی از طریق تجربه شخصیت‌ها و مواجهه مخاطب با موقعیت‌ها و رخدادهای داستانی است. در این شیوه، مخاطب به‌جای آنکه صرفاً با مجموعه‌ای از گزاره‌های اعتقادی روبه‌رو شود، در کنار شخصیت داستان قرار می‌گیرد، موقعیت‌های او را تجربه می‌کند و به‌تدریج با پرسش‌ها و انتخاب‌هایش درگیر می‌شود. منبع اصلی این نوع ادبیات، تفکر دینی برآمده از تعالیم وحیانی پیامبران و سیره اولیای دین است. در اینجا واژه داستان را در معنای مدرن آن به کار می‌بریم؛ معنایی متفاوت از حکایت‌ها و قصه‌های تعلیمی سنتی. در این چارچوب، متن مقدس و سیره شخصیت‌های دینی می‌توانند به‌عنوان متن پیشین یا پیش‌متن در نظر گرفته شوند و داستانی که بر اساس آن‌ها شکل می‌گیرد، متن جدیدی است که با بهره‌گیری از ظرفیت‌های ادبی و تخیل نویسنده خلق می‌شود. از این منظر، «او مثل هیچ‌کس نیست» متنی داستانی است که با الهام از سیره نبوی شکل گرفته و می‌کوشد مفاهیم دینی را در قالب تجربه زیسته یک شخصیت داستانی بازآفرینی کند.

۲. گونه‌های داستان دینی

مریم جلالی در کتاب «ادبیات دینی کودک و نوجوان؛ نظریه‌ها و رویکردها»، داستان دینی را در گونه‌های مختلف بررسی می‌کند. در یک تقسیم‌بندی کاربردی می‌توان به چهار گونه زیر اشاره کرد. البته این تقسیم‌بندی جامع و مانع نیست و همه داستان‌هایی را که به‌نحوی با دین ارتباط دارند، دربرنمی‌گیرد؛ به‌ویژه داستان‌هایی که ارتباط آن‌ها با تاریخ دین مستقیم نیست.

الف) داستان تاریخی دینی

این داستان‌ها به روایت وقایع و شخصیت‌هایی می‌پردازند که در بستر تاریخ و فرهنگ یک ملت یا قوم، با جنبه‌های مذهبی و اعتقادی پیوند دارند. چنین آثاری علاوه بر پرداختن به آموزه‌های دینی، می‌توانند به شناخت بهتر تاریخ، فرهنگ و تمدن نیز کمک کنند

ب) داستان دینی تخیلی

در این گونه، عناصر و مفاهیم مذهبی با تخیل و خلاقیت نویسنده ترکیب می‌شوند. نویسنده با بهره‌گیری از شخصیت‌ها و موقعیت‌های داستانی، به موضوعات دینی، اخلاقی، معنوی و حتی فلسفی می‌پردازد. ممکن است شخصیت‌ها تاریخی باشند، اما در پیشبرد داستان، تخیل نویسنده نقش مهمی ایفا کند.

ج) داستان شبه‌تاریخی و شبه‌دینی

این داستان‌ها الزاماً بر اساس وقایع مستند تاریخی شکل نمی‌گیرند، بلکه میان تاریخ و تخیل حرکت می‌کنند. ممکن است شخصیت داستان در تاریخ وجود داشته باشد، اما رخداد اصلی داستان ساخته تخیل نویسنده باشد؛ مانند روایت‌هایی که از مسلمان شدن رستم به دست حضرت علی(ع) سخن می‌گویند.

د) داستان آموزشی دینی

هدف اصلی این داستان‌ها آموزش و معرفی مستقیم مفاهیم و ارزش‌های دینی و فراهم کردن زمینه الگوبرداری مخاطب از شخصیت‌ها و رفتارهای ارائه‌شده است.

۳. داستان دینی چگونه از متن مقدس و سیره دینی بهره می‌گیرد؟

نویسنده داستان دینی می‌تواند به شیوه‌های مختلفی از متن اصلی یا پیش‌متن بهره ببرد:

نخست، ممکن است عبارتی از متن مقدس یا منبع دینی به‌صورت مستقیم وارد متن داستان شود.

دوم، ممکن است عین عبارت نقل نشود، اما مفهوم و اندیشه موجود در متن اصلی در تار و پود داستان حضور پیدا کند.

سوم، نویسنده می‌تواند از طریق مقایسه میان متون دینی مختلف، مانند مقایسه مفاهیمی از قرآن و کتاب مقدس، زمینه‌ای برای گفت‌وگو و تأمل فراهم کند. در این میان، شیوه دوم از ظرفیت ویژه‌ای برای خلق ادبی برخوردار است؛ زیرا نویسنده به‌جای انتقال مستقیم آموزه، آن را در موقعیت، کنش و تجربه شخصیت داستانی بازآفرینی می‌کند.

۴. او مثل هیچ‌کس نیست» در کدام گونه قرار می‌گیرد؟

با توجه به اینکه نویسنده از کلیت تاریخ زندگی پیامبر و رخدادهایی مانند جنگ بدر و احد الهام گرفته، اما شخصیت اصلی داستان، جنید، شخصیتی تاریخی نیست، می‌توان این اثر را در گونه داستان دینی تخیلی قرار داد. البته داستان در چارچوب بسیاری از وقایع و شرایط تاریخی حرکت می‌کند و تلاش دارد از فضای تاریخی خود فاصله نگیرد. همین مسئله به باورپذیری جهان داستان کمک می‌کند. به نظرم اهمیت این انتخاب در آن است که نویسنده از بازگویی صرف تاریخ فراتر رفته و کوشیده است با خلق شخصیتی داستانی، امکان تجربه دوباره مفاهیم دینی را برای مخاطب فراهم کند. این همان نقطه‌ای است که روایت تاریخی می‌تواند به ادبیات داستانی نزدیک شود؛ یعنی جایی که تاریخ، زمینه شکل‌گیری یک تجربه انسانی و دراماتیک قرار می‌گیرد.

۵. مسئله اصلی جنید چیست؟

به نظرم مسئله اصلی داستان، صرفاً ایمان آوردن یک جوان نیست؛ بلکه رهایی انسان از نیاز بیمارگونه به تأیید دیگران و رسیدن به هویتی مستقل است. جنید تمام عمر می‌خواهد فرزند شایسته‌ای برای پدر باشد و از طریق کسب اعتبار در نگاه پدر، احساس ارزشمندی کند. او هویت خود را نه بر اساس شناخت خویشتن، بلکه بر اساس قضاوت دیگران تعریف کرده است. کنیززاده بودن، احساس حقارت و نیاز به تأیید پدر، زنجیره‌ای از انگیزه‌ها و رفتارهای او را شکل می‌دهند. در حقیقت، جنید بیش از آنکه در جست‌وجوی حقیقت باشد، در آغاز داستان در جست‌وجوی اثبات خویش است. حتی تصمیم او برای کشتن پیامبر نیز از همین نیاز سرچشمه می‌گیرد. او می‌خواهد با انجام کاری بزرگ، جایگاهی را که در خانواده و قبیله از آن محروم بوده است، به دست آورد. اما مواجهه با پیامبر و تجربه رفتار انسانی مسلمانان، به‌تدریج بنیان این نگاه را متزلزل می‌کند. جنید برای نخستین بار با جهانی روبه‌رو می‌شود که در آن ارزش انسان نه با نسب و موقعیت خانوادگی، بلکه با کرامت و رفتار او سنجیده می‌شود. از این منظر، تحول اعتقادی جنید در پیوند با تحولی عمیق‌تر قرار می‌گیرد: او باید از هویتی که دیگران برایش ساخته‌اند عبور کند و به شناختی مستقل از خود برسد. جمله یا مفهوم پنهان داستان را می‌توان این‌گونه بیان کرد:

جنید تمام عمر می‌خواست فرزند بدر باشد، اما سرانجام یاد گرفت خودش باشد.

این جمله به نظرم کلید درک لایه عمیق‌تر داستان است.

۶. محورهای اصلی و روابط شخصیت‌ها

داستان چند محور مهم را به‌طور هم‌زمان دنبال می‌کند:

- تحول اعتقادی و عبور از دشمنی به ایمان؛
- تأثیر رفتار انسانی و محبت بر تغییر باور یک فرد؛
- تقابل وفاداری خانوادگی و قبیله‌ای با حقیقتی که شخصیت به آن رسیده است؛
- جست‌وجوی هویت و رهایی از گذشته؛
- عشق، دلبستگی و عاطفه در کنار تحول معنوی؛
- قرار گرفتن شخصیت در موقعیت‌های دشوار و وادار شدن به انتخاب.

این محورها از طریق روابط دو به دویی جنید با شخصیت‌های دیگر گسترش می‌یابند:

- جنید و پدر؛
- جنید و مادر؛
- جنید و آمال؛
- جنید و پیامبر؛
- جنید و نعیم؛
- جنید و زید؛
- جنید و جمانه.

اهمیت این روابط در آن است که هر کدام می‌توانند وجهی متفاوت از شخصیت جنید را آشکار کنند و او را در موقعیت تازه‌ای قرار دهند. به این ترتیب، تحول شخصیت صرفاً درونی و ذهنی باقی نمی‌ماند، بلکه در برخورد با دیگران و در انتخاب‌های او نمود پیدا می‌کند.

۷. تجربه انسانی؛ کلید تحول اعتقادی جنید

به نظرم جالب‌ترین ویژگی داستان جنید این است که تحول او صرفاً با شنیدن تعالیم پیامبر اتفاق نمی‌افتد.

او ابتدا با یک تجربه انسانی روبه‌رو می‌شود: رفتار متفاوت با اسیر، تقسیم غذا، احترام به کرامت انسان، آموزش و محبت. این تجربه به‌تدریج تصویر ذهنی او از دشمن را متزلزل می‌کند. جنید چیزی را تجربه می‌کند که پیش از آن برایش قابل تصور نبوده است.

کسانی که او دشمن خود می‌دانسته، با او رفتاری انسانی دارند؛ رفتاری که با تمام پیش‌فرض‌های ذهنی‌اش در تضاد است. در ادامه، روابط خانوادگی، مسئله پدر، مادر و خواهر، علاقه به جمانه و انتخاب میان زندگی پیشین و باور تازه، تحول او را پیچیده‌تر می‌کنند.

در اینجا یک پرسش کلیدی مطرح می‌شود:

آیا شخصیت به دلیل شنیدن حقیقت تغییر می‌کند یا به دلیل تجربه کردن حقیقت؟

به نظرم این پرسش، کلید درک ارزش داستانی جنید است. او نه از راه تبلیغ و آموزش مستقیم، بلکه در نتیجه دیدن و درک رفتار پیامبر و یارانش متحول می‌شود.

این ویژگی ظرفیت ادبی مهمی دارد؛ زیرا ایمان در داستان به یک مفهوم انتزاعی و مجموعه‌ای از گزاره‌های اعتقادی محدود نمی‌شود، بلکه در رفتار و تجربه انسانی تجلی پیدا می‌کند. در واقع، داستان زمانی موفق‌تر عمل می‌کند که به‌جای توضیح دادن حقیقت، امکان مواجهه شخصیت با حقیقت را فراهم کند.

۸. دو نقطه اوج داستان و ظرفیت دراماتیک آن

به نظرم داستان دو نقطه اوج معنایی مهم دارد.

نخست، لحظه پذیرش ایمان و پذیرفتن مسئولیت آن است. جنید در این مرحله باید میان تعلقات پیشین و حقیقتی که به آن رسیده، انتخاب کند. ایمان آوردن او صرفاً یک تغییر عقیده نیست؛ بلکه آغاز گسست از جهان پیشین و پذیرش پیامدهای انتخابی دشوار است.

دوم، حضور او در جنگ احد و خطایی است که مرتکب می‌شود. این بخش از نظر شخصیت‌پردازی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا جنید در اینجا با پیامدهای رفتار و انتخاب خود مواجه می‌شود. او درمی‌یابد که ایمان داشتن به معنای مصون بودن از خطا نیست و انسان مؤمن نیز باید مسئولیت اعمال خود را بپذیرد.

به نظرم این دو نقطه اوج، مکمل معنایی یکدیگرند. در نقطه نخست، جنید حقیقتی را می‌پذیرد و در نقطه دوم، با دشواری زیستن بر اساس آن حقیقت روبه‌رو می‌شود.

از این منظر، جنگ احد می‌تواند مهم‌ترین بخش شخصیت‌پردازی داستان باشد؛ زیرا شخصیت در موقعیت دشوار، بیش از هر زمان دیگری خود را آشکار می‌کند.

۹. پیشنهادهایی برای افزایش ظرفیت ادبی و روایی داستان

جنید و داستان او در شکل فعلی نیز از ظرفیت ادبی و عاطفی قابل توجهی برخوردارند؛ اما به نظرم در بازنویسی‌های بعدی می‌توان این ظرفیت را افزایش داد. نخستین پیشنهاد من، اعتماد بیشتر نویسنده به شخصیت جنید است. بهتر است اجازه بدهیم او انسانی‌تر، پیچیده‌تر و حتی خطاپذیرتر باشد.

شخصیت داستانی زمانی باورپذیر می‌شود که فقط در مسیر درست حرکت نکند، بلکه در موقعیت‌های دشوار دچار تردید شود، تصمیم‌های اشتباه بگیرد و با پیامدهای آن‌ها مواجه شود. از این جهت، خطای جنید در جنگ احد ظرفیت مهمی برای تعمیق شخصیت او دارد. پیشنهاد می‌کنم این بخش با جزئیات دراماتیک بیشتری پرداخت شود و پیامدهای روانی و انسانی آن در وجود جنید فرصت بروز پیدا کند. دومین پیشنهاد، بازنگری در توضیحات نسبتاً طولانی مربوط به گذشته شخصیت است. هر جا که امکان دارد، اطلاعات گذشته جنید از طریق کنش، گفت‌وگو، خاطره و مواجهه با شخصیت‌های دیگر منتقل شود. به این ترتیب، خواننده به‌جای دریافت اطلاعات آماده، به‌تدریج گذشته و انگیزه‌های او را کشف می‌کند. سومین پیشنهاد، پرهیز از مستقیم‌گویی‌های آموزشی است. وقتی یک رفتار، موقعیت یا انتخاب داستانی می‌تواند مفهوم دینی موردنظر نویسنده را منتقل کند، بهتر است از توضیح دوباره آن پرهیز شود. اعتماد به شعور و دریافت مخاطب، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ادبیات داستانی است. به‌ویژه در داستان دینی نوجوان، بهتر است مخاطب فرصت داشته باشد خود به کشف معنا برسد. هرچه تجربه شخصیت عمیق‌تر و موقعیت داستانی باورپذیرتر باشد، تأثیر معنوی آن نیز ماندگارتر خواهد بود.

۱۰. بررسی زبان و نثر داستان

نویسنده در تصویرسازی و خلق فضاهای شاعرانه توانایی خوبی دارد؛ اما نثر داستان گاهی میان دو شیوه متفاوت حرکت می‌کند: نخست، نثری تصویری، حسی و داستانی و دوم، نثری عاطفی، شاعرانه و گاهی خطابی. نویسنده در شیوه نخست معمولاً موفق‌تر است. برای مثال، توصیف صحنه‌ای که جنید در کنار نخل نشسته و به زنجیرهای دستش نگاه می‌کند، به دلیل برخورداری از جزئیات ملموس، قدرت انتقال خوبی دارد. در این صحنه، تصویر بیرونی با وضعیت روانی شخصیت پیوند می‌خورد و خواننده می‌تواند احساس و موقعیت جنید را از طریق عناصر عینی صحنه تجربه کند. این همان نقطه قوت نثر داستانی است؛ جایی که تصویر به‌جای توضیح احساس، آن را در ذهن خواننده ایجاد می‌کند.

بااین‌حال، در بعضی صحنه‌ها انباشت تشبیه‌ها و استعاره‌ها، فرصت تجربه مستقیم را از خواننده می‌گیرد. گاهی نویسنده به‌جای آنکه به تصویر و کنش اجازه دهد معنا را منتقل کنند، با توضیحات عاطفی و شاعرانه، معنای موردنظر را بیش از اندازه تشریح می‌کند. پیشنهاد می‌کنم در بازنویسی، میان نثر تصویری و نثر شاعرانه تعادل بیشتری برقرار شود.

شاعرانه بودن نثر به‌خودی‌خود امتیاز نیست؛ مهم این است که زبان در خدمت موقعیت داستانی، شخصیت و فضای اثر قرار بگیرد. به‌ویژه در لحظه‌های حساس و عاطفی، گاهی یک تصویر ساده، یک حرکت کوچک یا حتی سکوت شخصیت می‌تواند تأثیری عمیق‌تر از چند جمله توصیفی داشته باشد.

سخن پایانی

«او مثل هیچ‌کس نیست» ظرفیت آن را دارد که فراتر از روایت ایمان آوردن یک جوان در صدر اسلام، به داستانی درباره هویت، کرامت انسانی، رهایی از گذشته و استقلال شخصیت تبدیل شود. امتیاز مهم داستان در این است که تحول اعتقادی را به تجربه انسانی پیوند می‌زند.

جنید ابتدا با رفتار و منش متفاوت انسان‌هایی روبه‌رو می‌شود که تا پیش از آن دشمن خود می‌دانسته و همین مواجهه، زمینه تغییر نگاه او را فراهم می‌کند. به نظرم ارزش ادبی چنین داستانی در آن است که مخاطب را صرفاً با یک نتیجه اعتقادی روبه‌رو نکند، بلکه او را در مسیر رسیدن به آن نتیجه همراه شخصیت سازد.

داستان دینی زمانی به ادبیات نزدیک‌تر می‌شود که به‌جای توضیح دادن ایمان، امکان تجربه کردن آن را برای خواننده فراهم کند.

این همان ظرفیتی است که در داستان «او مثل هیچ‌کس نیست» وجود دارد و با اعتماد بیشتر به شخصیت، تقویت موقعیت‌های دراماتیک و کاستن از توضیحات مستقیم، می‌تواند در بازنویسی‌های بعدی به شکلی عمیق‌تر و ماندگارتر تحقق پیدا کند.

صنعت کاغذ در دوراهی حمایت و رقابت

حمایت از تولید داخلی یکی از سیاست‌های مهم برای توسعه اقتصادی و تقویت صنایع کشور به شمار می‌رود، اما تجربه برخی بخش‌های صنعتی نشان می‌دهد که حمایت بدون ایجاد فضای رقابتی، لزوماً به افزایش کیفیت و رضایت مصرف‌کنندگان منجر نمی‌شود. صنعت کاغذ نیز به‌عنوان یکی از صنایع اثرگذار در زنجیره تولید و انتشار محصولات فرهنگی و رسانه‌ای، با این چالش روبه‌رو است؛ چالشی که ضرورت بازنگری در شیوه‌های حمایت از تولیدکنندگان داخلی را بیش از گذشته آشکار می‌کند.

حمایت از تولیدکنندگان داخلی زمانی می‌تواند اثربخش باشد که در کنار فراهم کردن زمینه رشد و توسعه واحدهای تولیدی، امکان رقابت، مقایسه محصولات و انتخاب آزادانه برای مصرف‌کنندگان نیز وجود داشته باشد. در غیر این صورت، محدود کردن واردات و کاهش حضور محصولات خارجی در بازار ممکن است به تضعیف انگیزه تولیدکنندگان برای ارتقای کیفیت، کاهش هزینه‌ها و اصلاح فرایندهای تولید منجر شود. رضا صالحی‌پژوه، روزنامه‌نگار، پژوهشگر علوم ارتباطات و مدرس دانشگاه، با تأکید بر ضرورت حمایت اصولی از تولید داخل معتقد است که صرف توسعه کارخانه‌ها و محدود کردن واردات، به معنای حمایت مؤثر از تولیدکننده نیست، بلکه کیفیت، بهره‌وری و توان رقابت محصولات باید در مرکز سیاست‌گذاری‌های صنعتی قرار گیرد. او با اشاره به تجربه حمایت از تولیدکنندگان لوازم خانگی و خودروسازان داخلی اظهار می‌کند: در سال‌های گذشته، محدودیت‌هایی برای ورود برخی محصولات خارجی با هدف حمایت از تولید داخل اعمال شد، اما در مواردی، کیفیت و عملکرد محصولات نتوانست انتظارات مصرف‌کنندگان را برآورده کند. این تجربه نشان می‌دهد که حمایت اقتصادی، بدون نظارت بر کیفیت و حفظ فضای رقابتی، نمی‌تواند به تحقق اهداف توسعه‌ای منجر شود. به گفته این پژوهشگر، صنعت کاغذ نیز از این قاعده مستثنا نیست و حمایت از تولیدکنندگان این حوزه باید به افزایش کیفیت، کاهش هزینه تمام‌شده و پاسخ‌گویی به نیازهای بازار منجر شود. در چنین شرایطی، تولیدکننده علاوه بر برخورداری از فرصت رشد، برای حفظ سهم بازار خود ناگزیر خواهد بود محصولاتش را با استانداردهای مورد انتظار مصرف‌کنندگان هماهنگ کند.

ضرورت توجه به کیفیت در کنار حمایت

از سوی دیگر، آینده صنعت کاغذ با وضعیت صنعت مطبوعات و تحولات بازار رسانه نیز ارتباط مستقیمی دارد. مطبوعات به‌عنوان یکی از مصرف‌کنندگان اصلی کاغذ، در سال‌های اخیر با تغییر الگوی مصرف مخاطبان و گسترش رسانه‌های دیجیتال مواجه شده‌اند؛ موضوعی که ضرورت توجه هم‌زمان به کیفیت تولید کاغذ و تحول در شیوه فعالیت رسانه‌های مکتوب را دوچندان می‌کند.

خبر

شاهکارهای نگارگری اصفهان پشت درهای بسته

استاد رضا بدرالسما، نگارگر و نقاش آبرنگ اصفهانی، با بیش از چهار دهه فعالیت هنری و حضور در بیش از ۴۰۰ نمایشگاه داخلی و خارجی، گنجینه‌ای ارزشمند از آثار با موضوعات تاریخی، دینی، ملی و فرهنگی را خلق کرده است؛ مجموعه‌ای که به گفته او، با وجود وعده‌های چندساله مسئولان برای اختصاص مکانی دائمی، همچنان در فضای محدود کارگاه شخصی‌اش نگهداری می‌شود و فرصت نمایش عمومی نیافته است.

رضا بدرالسما، متولد پنجم آذرماه ۱۳۲۸ در اصفهان، علاقه به هنر را از دوران کودکی و با تأثیرپذیری از فضای هنری خانواده و مشاهده معماری و نقوش مساجد آغاز کرد. او که فعالیت حرفه‌ای خود را پیش از انقلاب اسلامی آغاز کرده بود، پس از وقفه‌ای چندساله بار دیگر به هنر بازگشت و علاوه بر نگارگری، نقاشی آبرنگ را نیز دنبال کرد. نخستین نمایشگاه خود را سال ۱۳۷۲ در اصفهان برگزار کرد و در ادامه در بیش از ۴۰۰ نمایشگاه انفرادی و گروهی در داخل و خارج از کشور حضور یافت. این هنرمند در طول سال‌های فعالیت خود، آثار متعددی با موضوع شخصیت‌های تاریخی و معاصر، حوادث انقلاب اسلامی، دفاع مقدس، شهدا، پیامبران و اهل‌بیت (ع) خلق کرده است. از جمله آثار شاخص او می‌توان به تابلوهایی درباره حماسه ۲۵ آبان اصفهان و تشییع پیکر ۳۷۰ شهید، شهدای فاجعه منا، شهید قاسم سلیمانی و شهید حسن طهرانی‌مقدم اشاره کرد. بدرالسما معتقد است نگارگری نباید صرفاً به بازآفرینی موضوعات و شیوه‌های گذشته محدود بماند، بلکه باید با حفظ هویت و اصالت خود، درباره مسائل روز و شخصیت‌های معاصر نیز سخن بگوید. او در آثارش تلاش کرده است میان هنر سنتی و دغدغه‌های نسل امروز پیوند برقرار کند؛ رویکردی که به گفته او، با استقبال گروه‌های سنی مختلف و حتی مخاطبان خارجی مواجه شده است. این هنرمند اصفهانی همچنین از تجربه برگزاری نمایشگاه و کارگاه‌های هنری در کشورهای مختلف از جمله روسیه و الجزایر و همکاری در تصویرسازی و طراحی جلد کتاب‌هایی در کشورهای مصر، کشمیر و روسیه سخن گفت و تأکید کرد: هنر ایرانی ظرفیت بالایی برای معرفی فرهنگ و هویت ایران در سطح بین‌المللی دارد. با این حال، مهم‌ترین دغدغه این هنرمند، نبود فضایی مناسب برای نگهداری و نمایش عمومی آثارش است. به گفته بدرالسما، حدود سه سال پیش، پس از بازدید برخی مسئولان فرهنگی، نمایندگان مجلس و مدیران شهری از محل نگهداری آثار، وعده‌هایی برای اختصاص مکانی دائمی در محدوده چهارباغ اصفهان مطرح شد. حتی چند مکان نیز برای این منظور به او معرفی شد، اما با گذشت چند سال، هیچ‌یک از وعده‌ها عملی نشد. او با اشاره به پیگیری‌های بعدی و پیشنهاد اختصاص موقت یک مکان از سوی مسئولان فرهنگی شهرداری اصفهان اظهار کرد که آن پیشنهاد نیز به نتیجه نرسید و در نهایت متوجه شد محل معرفی‌شده به فرد دیگری اجاره داده شده است؛ اتفاقی که موجب ناامیدی او از ادامه پیگیری‌ها شد. بدرالسما با بیان اینکه فروش آثار هنری منبع تأمین هزینه‌های زندگی و ادامه فعالیت حرفه‌ای اوست، تأکید کرد انتظار دارد آثارش علاوه بر مخاطبان خارجی، در اختیار مردم اصفهان و دیگر شهرهای ایران نیز قرار گیرد. به اعتقاد او، ایجاد یک نگارخانه دائمی می‌تواند زمینه آشنایی نسل‌های مختلف با نگارگری معاصر و میراث هنری این شهر را فراهم کند. اکنون بخش بزرگی از این گنجینه در فضای محدود کارگاه شخصی هنرمند نگهداری می‌شود؛ آثاری که هرکدام حاصل ساعت‌ها تلاش، تجربه و سال‌ها فعالیت هنری هستند. گنجینه‌ای که به گفته این هنرمند، نه‌تنها به فضایی برای نگهداری، بلکه به خانه‌ای شایسته برای دیده‌شدن و ارتباط با مردم نیاز دارد.

۵۰ انجمن ادبی شناسه رسمی گرفتند

همزمان با سی‌وچهارمین هفته کتاب، بیش از ۵۰ انجمن ادبی در نقاط مختلف کشور با ثبت اطلاعات در سامانه امور انجمن‌های ادبی، شناسه رسمی دریافت کردند که اردیبل با ۱۱ انجمن در صدر قرار گرفت.

همزمان با این رویداد و در راستای سامان‌دهی تشکل‌های ادبی، شناسایی ظرفیت‌های مردمی حوزه شعر و ادبیات و فراهم کردن زمینه حمایت هدفمند از انجمن‌های فعال کشور بیش از ۵۰ انجمن ادبی در نقاط مختلف کشور با ثبت اطلاعات در سامانه امور انجمن‌های ادبی کشور، شناسه رسمی دریافت کردند. میان مناطق مختلف کشور، اردبیل با یازده انجمن ادبی شناسه‌دار در این مرحله بیشترین انجمن شناسه‌دار را دارد. انجمن‌های ادبی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین کانون‌های پرورش استعدادهای ادبی، انتقال تجربه میان نسل‌ها و ترویج شعر و ادبیات فارسی، نقش موثری در پویایی فرهنگی جامعه دارند. شناسه‌دار شدن این انجمن‌ها علاوه بر ایجاد هویت مشخص، زمینه ارتباط منسجم‌تر با نهادهای فرهنگی، بهره‌مندی از برنامه‌های حمایتی و مشارکت در رویدادهای ادبی را فراهم می‌کند. سامان‌دهی انجمن‌های ادبی همچنین زمینه شناسایی ظرفیت